

بررسی مفهومی لزوم توجه به ابزارها، محصولات و مسائل نوین مؤسسات مالی اسلامی در قالب مدل اقتصاد اسلامی

شعیب رستمی^۱، ثمین کهنسال^۲

۱- مدرس دانشگاه و عضو انجمن حسابداران خبره ایران (نویسنده مسئول)

sh.rostami.acc@gmail.com

۲- کارشناس ارشد حسابداری و عضو انجمن حسابداری ایران

samin.kohansal@gmail.com

چکیده

مشاهده فرصت‌های تجاری متنوع و قابل اعتنا در مؤسسات و بانک‌های اسلامی بوسیله نهادهای رسمی دولتی در سراسر جهان منجر به توجه بیش از پیش به مؤسسات مالی اسلامی گردیده است؛ به طوری که تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران حرفه‌ای، علاقه‌مندی بسیاری به اضافه کردن محصولات مالی اسلامی به پرتفوی سرمایه‌گذاری خود نشان داده‌اند. سازوکار بازار سرمایه کشورهای اسلامی با سایر کشورهای مشهور در زمینه ایجاد و گسترش بازارهای سرمایه متفاوت می‌باشد. در نظام‌های اسلامی، فعالان اقتصادی نه تنها توسط قوانین و مقررات بلکه توسط رهنمودهای قرآن کریم نیز مورد هدایت قرار می‌گیرند. مالی اسلامی محصولات مختلفی در قالب ابزارها و روش‌ها فراهم می‌آورد. ابزارهای اصلی تأمین مالی که توسط مؤسسات مالی اسلامی استفاده می‌شود دارای مشخصه‌های متمایزی نظیر توان تخمین ارزش انواع دارایی‌ها بر اساس ارزش اصلی آن، تخصیص روش‌های تأمین مالی خاص به ازای هر قرارداد، تعریف صحیح و بدون تناقض از قیمت کالا و خدمات و همچنین سهم شرکا از سود و زیان می‌باشند. مقاله حاضر ضمن تشریح ابزارهای مؤسسات مالی اسلامی و نقش مالی اسلامی با توجه به مدل اقتصاد اسلامی در پیشرفت اقتصاد جهانی، گزارشگری اجتماعی اسلامی در این مؤسسات را نیز بررسی نموده است. مهم‌ترین نتیجه مقاله مفهومی حاضر آن است که بکارگیری ابزارهای تأمین مالی اسلامی تحت اصول اقتصاد اسلامی منجر به کاهش سطوح سقوط‌های مالی و عدم اعتمادهای موجود در بازارهای سرمایه می‌گردد.

واژگان کلیدی: مؤسسات مالی اسلامی، مدل اقتصادی اسلامی، گزارشگری اجتماعی اسلامی، محصولات مالی اسلامی، قراردادهای تأمین مالی اسلامی.

۱. مقدمه

بانکداری و مالیه اسلامی با سرعت چشمگیری در حال رشد و نمو است. از زمان پیدایش این صنعت در سه دهه قبل تعداد مؤسسات مالی اسلامی در سرتاسر جهان از یک عدد در سال ۱۹۷۵، به بیش از ۳۰۰ عدد در حال حاضر، افزایش یافته است. به گونه‌ای که هم‌اکنون در بیش از ۷۵ کشور اسلامی و غیر اسلامی شاهد فعالیت جدی بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی هستیم. بسیاری از این بانک‌ها و مؤسسات مالی، در دو منطقه خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی متمرکز شده‌اند. در این دو منطقه، بحرین و مالزی به عنوان کانون‌های بانکداری و مالیه اسلامی مشغول فعالیت هستند. علاوه بر این دو منطقه، در اروپا و آمریکا نیز فعالیت‌های فزاینده‌ای در حوزه بانکداری اسلامی در حال شکل‌گیری است (علوی لنگرودی، ۱۳۸۵).

مؤسسات مالی اسلامی بخشی از اقتصاد مدرن جهانی هستند. این مؤسسات فعالیت خود را تحت همان قوانین اقتصادی صورت می‌دهند که سایر مؤسسات یا شرکت‌های فعال در بازارهای مالی طبق آن به فعالیت می‌پردازند. در عمل نقش مالیه اسلامی سال به سال در حال افزایش می‌باشد که خود واجد دلایل جالب توجهی است (اسرینیک، ۲۰۱۰).
اولاً، در بسیاری از کشورها، جمعیت افراد مسلمان در حال افزایش است. جامعه مسلمان در اروپا روز به روز در حال گسترش بوده و در نتیجه بیشتر مورد توجه فعالان سیاسی و اقتصادی قرار گرفته‌اند.

ثانیاً، اخیراً علاقه‌مندی زیادی به استفاده از محصولات اسلامی حلال بین جوامع غیرمسلمان ایجاد شده است. سرمایه‌گذاری بانک‌های اروپایی در اوراق صکوک (اوراق قرضه اسلامی) موجب بروز علاقه‌مندی در سرمایه‌گذاران بخش خصوصی که ترجیح می‌دهند تا تصمیمات سرمایه‌گذاری خود را با در نظر گرفتن عقاید و الزامات دینی خود اتخاذ نمایند، ایجاد نموده است. انتخاب محصولات پذیرفته شده در شریعت اسلام، این اطمینان را به این دسته از سرمایه‌گذاران می‌دهد که سرمایه‌گذاری منتخب آنان فاقد هرگونه نکته مغایر با شعائر دینی است. این موضوع حتی می‌تواند برای سایر ادیان نیز مورد توجه باشد؛ زیرا به آن‌ها اطمینان می‌دهد که بهره (در شکل ممنوع آن) از سرمایه‌گذاری آنان حذف شده است.

ثالثاً، موج جدیدی از صدور مجوزهای مرتبط با بانکداری خُرد (اعطای وام‌های رهنی، بیمه و سایر وام‌ها) منطبق با شریعت آغاز شده است. در حال حاضر سیاست دُول اروپایی به سمت توجه به جوامع مسلمان تغییر یافته است. این تغییر سیاست به دلیل ترس از امکان بروز دو دستگی و بروز بحران در ثبات کشور و همچنین نقش معنی‌دار و غیر قابل انکار جوامع مسلمان در محیط کنونی ایجاد شده است.

همان‌طور که در موارد فوق مشاهده می‌گردد نقش مالی اسلامی در پیشرفت اقتصاد جهانی با توجه موضوعات نوین پیرامون مؤسسات مالی اسلامی روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. لذا در این مقاله سعی گردیده است تا مباحث نوین پیرامون این مؤسسات مطرح گردد. در ادامه در بخش دوم پژوهش، تاریخچه پژوهش مرتبط با موضوع مقاله حاضر، در بخش سوم، محدودیت‌های مدل اقتصادی اسلامی، در بخش چهارم، محصولات مالی اسلامی، در بخش پنجم، گزارشگری اجتماعی اسلامی در مؤسسات مالی اسلامی، و در نهایت در بخش ششم، نتیجه‌گیری نهایی پژوهش مطرح گردیده است.

۲. تاریخچه

جغرافیای کسب و کار در حوزه مالی اسلامی بیش از ۵۰ کشور را در بر میگیرد، که از کشورهای اروپایی، کشورهای جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی، امریکا، استرالیا و غیره در آن یافت می‌شوند. در حال حاضر بیش از ۳۰۰ مؤسسه مالی اسلامی در این حوزه جغرافیایی در حال فعالیت هستند. مجموع دارایی این مؤسسات بیش از ۱ تریلیون دلار بوده و رشد سالانه‌ای معادل با ۱۰-۱۵٪ را تجربه می‌کنند (بکین، ۲۰۰۹).

ال‌هاواری و همکاران (۲۰۰۷) تنوع و گوناگونی قوانین در مؤسسات مالی اسلامی و موضوع مدیریت ریسک در این مؤسسات را سنجیدند. آن‌ها ویژگی‌های ریسک خاص مؤسسات و نحوه صحیح انعکاس اجزای دارایی و بدهی در ترانزنامه مؤسسات مالی اسلامی بخصوص ابزارها و محصولات مالی اسلامی را مورد توجه قرار دادند. محققان فوق، مؤسسات مالی کشورهای اسلامی از جمله ایران، اردن، کویت، سودان، یمن و مالزی را از لحاظ سیستم بانکداری، انطباق با استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۱ (AAOIFI)، قوانین بانکداری اسلامی و وجود هیئت‌های نظارتی، مقایسه و بررسی نموده و در نهایت پیشنهادهای در خصوص بکارگیری استانداردها و قوانین محتاطانه در مؤسسات مالی اسلامی و ایجاد چارچوبی سازمانی برای صنعت مالی اسلامی ارائه نمودند.

ویدیارتو و امروزنژاد (۲۰۱۵) کارایی مالی و اجتماعی مؤسسات مالی اسلامی کوچک و مؤسسات مالی کوچک را ارزیابی کردند. نمونه ارزیابی آن‌ها را ۲۳۱ مؤسسه مالی کوچک در شرق و شمال آفریقا، شرق آسیا و جنوب آسیا دربر می‌گرفت. محققان فوق در نهایت استفاده از تحلیل دو مرحله‌ای را برای اندازه‌گیری عملکرد مؤسسات مالی اسلامی کوچک و مقایسه این مؤسسات با مؤسسات مالی کوچک پیشنهاد نمودند. این دو مرحله را، ۱- توسعه چارچوب تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) برای اندازه‌گیری کارایی مؤسسات مالی کوچک با توجه به شرایط کارایی اجتماعی و مالی؛ و ۲- بکارگیری آزمون ناپارامتریک برای مقایسه عملکرد و شناسایی عوامل مربوط به کارایی مؤسسات مالی اسلامی کوچک و مؤسسات مالی کوچک، شامل می‌شد.

کمرودین و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی کارایی بانک‌های اسلامی داخلی و خارجی سه کشور از جنوب شرق آسیا شامل مالزی، اندونزی و بروئی پرداختند. این محققان سه جنبه از کارایی بصورت کارایی فنی، کارایی فنی خالص، و مقیاس کارایی را برای ۲۳ بانک داخلی و ۶ بانک خارجی به منظور دستیابی به تفاوت‌های کارایی مابین این دو دسته از بانک‌ها طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ در نظر گرفتند. نتایج آن‌ها نشان داد بانک‌های اسلامی داخلی، سطح کارایی بیشتری را در مقایسه با بانک‌های اسلامی خارجی ارائه می‌دهند و این موضوع می‌تواند، از عملکرد عملیاتی بخش بانکداری اسلامی یا بخش قانونگذاری و سیاست‌گذاری کشورها نشأت گرفته باشد.

یاسری (۱۳۸۱) جایگاه ابزارهای سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی اسلامی را در نظام مالی بین‌المللی با توجه به نوشته‌های ساندرا راجان و اریکو عنوان نمود. وی بیان نمود ارائه و استفاده از ابزارهای سرمایه‌گذاری و خدمات مالی منطبق بر اصول اسلامی، چالش‌های خاصی را از نظر تشخیص، سنجش، نظارت و کنترل ریسک‌های ملحوظ در آن مطرح می‌سازد و مدیریت مؤثر و کارآمد ریسک در چارچوب مؤسسات مالی اسلامی که یک شرط اساسی برای رقابت موفق و مؤثر این مؤسسات در بازارهای مالی جهانی است، نیازمند گسترش نه تنها چارچوب مقرراتی و نظارتی مطلوب‌تر، بلکه ابزارهای سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی جدیدی است تا آنکه یک فضای عملیاتی مناسب‌تری را ایجاد نماید.

1. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions

مشرف جوادی و قوچی فرد (۱۳۸۸) به بررسی ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی با رویکرد ریسک قانونی پرداختند. آن‌ها بیان نمودند علی‌رغم مزایایی که بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری عرفی دارد، این نوع بانکداری رواج کمی در کشورهای اسلامی داشته و جایگاه بایسته و شایسته خود را ندارد. آن‌ها معتقد بودند یکی از دلایل مهم این واقعیت آن است که بانک‌های اسلامی با ریسک قانونی مواجهند و ساختار آن‌ها با ساختار مالی بانکداری عرفی، که در جهان رواج دارد منطبق نیست. محققان فوق ضمن بررسی ساختار بانکداری اسلامی و ابزارهای مالی آن به بررسی ریسک قانونی و علل بروز این نوع ریسک در بانکداری اسلامی پرداخته و دلایل ناکارآمدی ابزارهای مالی اسلامی (که سودوزیان را بین بانک و سرمایه‌گذار تسهیم می‌کند) پرداختند.

حسن‌زاده و احمدیان (۱۳۹۱) تأثیر ابزارهای مالی اسلامی را بر رشد سرمایه‌گذاری ارزیابی نمودند. آن‌ها برای پیش‌بینی ابزار مالی صکوک دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ و برای پیش‌بینی سرمایه‌گذاری سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۷ را مدنظر قرار دادند. نتایج حاصل از برآورد مدل آن‌ها نشان داد که شاخص توسعه اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌داری با سرمایه‌گذاری دارد. نتایج پیش‌بینی پس از برآورد مدل آن‌ها نیز نشان داد با انتشار صکوک و مقبولیت آن بین سرمایه‌گذاران، ظرفیت سرمایه‌گذاری از میزان ۱/۶۶۹/۶۲۰ و ۱/۶۶۷/۲۰۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به میزان ۴/۰۲۶/۳۶۸ و ۵/۶۵۵/۹۱۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۳ برسد. همچنین میزان سرمایه‌گذاری بدون انتشار صکوک در سال ۱۳۸۳ معادل ۱/۴۵۶/۵۰۳ میلیارد ریال و در سال ۱۳۸۶ به میزان ۱/۷۴۵/۴۸۹ میلیارد ریال بوده است که بسیار کمتر از زمان انتشار صکوک می‌باشد.

فراهانی فرد و همکاران (۱۳۹۴) تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی را بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از روش رهیافت گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ بررسی نمودند. نتایج پژوهش محققان نشان داد تمامی متغیرهای توضیحی شامل رشد اقتصادی با یک دوره وقفه، نسبت تسهیلات مؤسسات مالی بانکی به بخش خصوصی به GDP، نسبت تسهیلات مؤسسات مالی غیربانکی به بخش خصوصی به GDP، نسبت سپرده مؤسسات مالی بانکی به GDP، نسبت سپرده مؤسسات مالی غیربانکی به بخش خصوصی به GDP، نسبت سرمایه ثابت ناخالص، و رشد درآمدهای نفتی، اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارند. همچنین مؤسسات مالی بانکی در مقایسه با مؤسسات مالی غیربانکی اثر بیشتری بر رشد اقتصادی دارند.

۳. محدودیت‌های مدل اقتصادی اسلامی

مدل اقتصادی اسلامی در ابتدا جهت بهینه نمودن رویه‌های مالی هر بخش از اقتصاد ایجاد شد (سمنوا، ۲۰۰۹). بدین ترتیب برای بهبود اثربخشی این مدل اجزای اصلی آن به قرار زیر تعریف گردیدند:

۱. ممنوعیت ربا (بهره): ربا یا بهره به هرگونه افزایش غیر قابل توجیه در سرمایه را گویند. هر معامله‌ای که متکی بر شرط و شروط سپرده‌گذاری بوده و متکی بر موفقیت خود سرمایه‌گذاری نداشته باشد به دلیل ربا ممنوع است. بنابراین ربا نه تنها پوشش دهنده بهره است بلکه هر نوع منفعتی تحت این تعریف را در بر می‌گیرد. ممنوعیت ربا بر اساس دیدگاه اسلامی در مورد عدالت اجتماعی شکل گرفته است (پالادی، ۲۰۱۴). اسلام سودآوری را تنها در حالت به نتیجه رسیدن فعالیت‌ها و تولید و دستیابی به محصول نهایی تشویق می‌نماید و هرگونه سودآوری یا استفاده از نزول را محکوم می‌کند.
۲. دسته‌بندی سود، زیان و ریسک: بنابر ممنوع بودن بهره، صاحب سرمایه به عنوان سرمایه‌گذار شناخته شده و فرد قرض دهنده نیست. بنابراین ریسک سرمایه‌گذاری بین صاحب سرمایه و فرد استفاده‌کننده از سرمایه به دلیل عدم وجود

تضمینی برای درآمدزایی تقسیم می‌شود. اگرچه در صورت موفقیت سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار مستقیماً در تقسیم سود مشارکت خواهد داشت.

۳. پول به عنوان سرمایه بالقوه: پول تنها زمانی به عنوان سرمایه تلقی می‌شود که مستقیماً در کسب و کاری سرمایه‌گذاری شده باشد.

۴. ممنوعیت هرگونه رفتار قماربازانه: فعالیت‌هایی که بر اساس رویدادهای اتفاقی یا قماربازانه رخ داده باشند و تکیه بر رشد و توسعه فعالیت و درآمدزایی از رشد آن نداشته باشند در شریعت حرام است. بر همین اساس نظام مالی اسلامی در خصوص استفاده از ابزارهای مالی مشتقه به دلیل وجود سطوح مشخصی از ریسک بسیار پیچیده می‌باشد. بسیاری از ابزارهای مالی منجر به دستیابی به اصل دارایی نشده و معمولاً دارای رشد سریع در بازارهای مالی هستند. بدین ترتیب حتی داشتن سهم کوچکی از این ابزارهای مالی (خرید این ابزارها) به نوعی عملیات سفته‌بازانه تلقی شده و می‌تواند مصداق قماربازی باشد.

۵. تقدس قراردادها: شرط فسخ ناپذیری قراردادها یکی از مهم‌ترین شروط معاملات است.

۶. ممنوعیت هرگونه نااطمینانی: وقتی در خصوص روابط قراردادی سخن به میان می‌آید، طرفین قرارداد می‌باید شرایط خود را به‌طور کامل برای یکدیگر فاش نمایند، زیرا هرگونه قراردادی که با نااطمینانی بسته شده باشد از نظر اسلام ممنوع است. هر قراردادی که موضوع، قیمت و طرفین آن به‌طور مشخص تعیین نشده باشد حرام است. اسلام هرگونه انتفاع توسط طرفین معامله را به‌واسطه داشتن اطلاعات بیشتر نسبت به دیگری ممنوع می‌داند.

۷. ممنوع بودن هرگونه سرمایه‌گذاری که به حقوق عمومی تجاوز کند: سرمایه‌گذاری‌ها می‌باید ذاتاً با اصول شریعت مطابقت داشته باشند. سرمایه‌گذاری‌هایی که ارتباط مستقیم یا غیرمستقیمی به محصولات نظیر الکل و سایر محصولات حرام از نظر اسلام و همچنین فعالیت‌هایی نظیر قمار داشته باشد از نظر شریعت ممنوع می‌باشد. در این زمینه مؤسسات مالی اسلامی فهرستی از فعالیت‌های غیرمجاز را در اختیار دارند.

سازوکار بازار سرمایه اسلامی متفاوت از سایر کشورهاست. در کشورهای اسلامی، فعالان اقتصادی علاوه بر تبعیت از قوانین و مقررات بین‌المللی، تابع قوانین و مقررات شریعت نیز هستند. این دسته از قوانین در قرآن کریم توضیح داده شده است.

معاملات بر اساس شریعت اسلام می‌باید شش شرط اصلی داشته باشند (پشکینا، ۲۰۱۳):

۱. ربا در آن داخل نشده باشد.

۲. ریسک سرمایه‌گذاری تقسیم شده باشد.

۳. شامل رفتارهای قماربازانه نباشد.

۴. استفاده از اطلاعات نامتقارن^۱ ممنوع است.

۵. به مفاد قرارداد می‌باید احترام گذاشته شود.

۶. سرمایه‌گذاری تنها در محصولات حلال امکان‌پذیر می‌باشد.

به شرط ممنوعیت استفاده از اطلاعات نامتقارن توجه کنید. این شرط در خصوص بروز خطا یا آسیب زدن به اطلاعات توسط طرفین یا یکی از آنها دلالت دارد. در صورت بروز چنین موضوعی، فرد وارد کننده خسارت از منافع ناشی از تخریب آن بهره‌مند خواهد شد که این موضوع از نظر اسلام حرام است.

عدم امکان استفاده از عدم تقارن اطلاعاتی در اسلام مربوط به ذات این دین می‌باشد. اسلام هرگونه کسب منفعت از راهی غیر اخلاقی را محکوم می‌نماید. از جمله قراردادهایی که شامل عدم تقارن اطلاعاتی هستند می‌توان به خرید و فروش کالاهایی که فروشنده آن اقدام به ارائه کالا نمی‌نماید یا قرارداد هایی که قیمت در آن به وضوح مشخص نیست مانند معاملاتی که در آن از اصلاح قیمت‌های جاری بازار استفاده می‌شود اشاره نمود (اسرینیک، ۲۰۱۰).

فهم این نکته ضروریست که اسلام، توسعه اقتصادی را در قالب خاصی قرار نمی‌دهد بلکه تنها جایگزین‌هایی برای روش‌های کسب و کار ارائه می‌دهد که شرکت‌ها و مؤسسات مالی اسلامی می‌باید با توجه به آنها و همچنین قواعد و قوانین بین‌المللی به فعالیت بپردازند (بکین، ۲۰۰۹).

راه حل مشکلات مرتبط با عدم تقارن اطلاعاتی در بازارهای مالی اولین بار در میانه قرن بیستم مطرح شد و در سال ۱۹۹۰ قوانین مرتبط با سازوکارهای تجاری در ۳۳ کشور تصویب شد. چنین قوانین داخلی در حال حاضر در بیش از ۱۰۰ کشور وضع و به اجرا در آمده‌اند.

اصل نقض قراردادها (عدم تقارن اطلاعاتی) در فعالیت‌های اقتصادی منجر به عدم ثبات در سازوکارهای بازار و همچنین بروز زیان‌های اساسی برای سرمایه‌گذاران (معمولاً سرمایه‌گذاران انفرادی) می‌گردد. به خاطر داشته باشید که مثال روشن شرکت انرون در امریکا دقیقاً دچار همین موضوع بوده است، زیرا در آن سهامداران تا زمان اعلان عدم توان بازپرداخت دیون توسط شرکت، اعتماد و اتکای خود را به وضعیت مالی شرکت از دست نداده بودند. با منتشر ساختن صورت‌های مالی غلط، انرون اقدام به متورم ساختن ارزش سهام خود نمود، سرمایه‌گذاران جدیدی جذب نمود و آنها را به سمت شبکه‌های خارج از کشور هدایت نمود. ویرانی این شرکت خود شکست بسیاری از خانواده‌های امریکایی را به دنبال داشت.

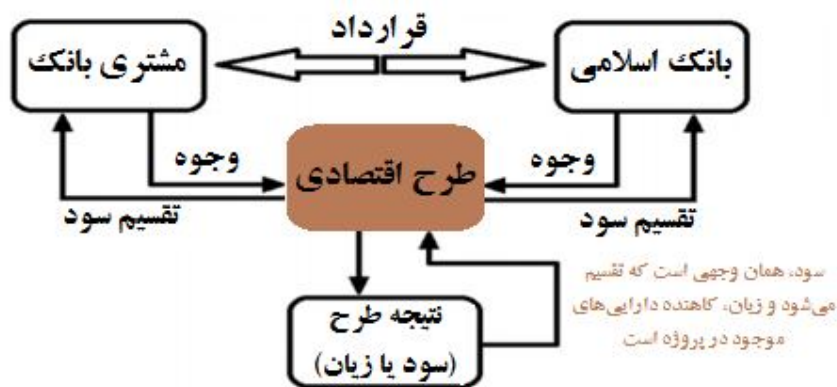
در حال حاضر روش‌های تأمین مالی اسلامی نشان داده که دارای ماهیتی عام بوده و به مناقشه‌ای که بیش از ده سال در این خصوص بین بانک‌های غربی جریان داشت پایان داده است. اصول پایه مدل اقتصادی اسلامی در حال حاضر در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد استفاده قرار گرفته است (نسییم، ۲۰۱۴).

۴. محصولات مالی اسلامی

محصولات مالی اسلامی دارای تنوع بسیاری است. بسیاری از آنها دارای متشابهاتی هستند، اگرچه، برای اهداف مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرند (کامر و همکاران، ۲۰۱۵). جهت ارائه جامع‌تر مطلب، در ادامه تعدادی از این محصولات معرفی می‌گردند.

عقود مشارکتی

به پروژه‌های مشترک بین مؤسسه تأمین مالی اسلامی و سرمایه‌گذار یا کارآفرین اطلاق می‌شود. این عقد نیازمند انعقاد قرارداد مشارکت بین طرفین بوده که در آن هر دو طرف اقدام به تأمین مالی پروژه می‌نمایند. لازم به ذکر است که در این مورد زیان‌های محتمل بین دو طرف به نسبت سرمایه‌گذاری صورت گرفته توسط آن‌ها، تقسیم خواهد شد. پروژه ممکن است که توسط بیش از دو نفر تأمین مالی شود و توسط یک یا تمامی شرکا مدیریت شود. عقود مشارکتی معمولاً برای فراهم‌ساختن سرمایه در گردش شرکت یا برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک مانند سرمایه‌گذاری در ساختمان استفاده می‌شود. این دسته از عقود اغلب جهت تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت مورد استفاده قرار می‌گیرند (اسمدی، ۲۰۱۱). شمای کلی این دسته از عقود اسلامی در شکل ۱ نشان داده شده است.

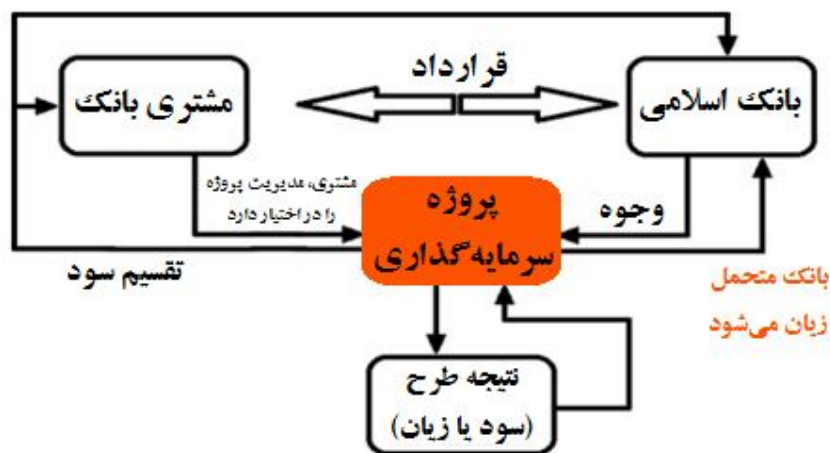


شکل ۱. طرح معاملات مشارکتی

عقود مضاربه‌ای

محصول دیگری که در ادامه در مورد آن بحث خواهد شد عقود مضاربه‌ای است. مضاربه معمولاً برای تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری کوتاه و میان‌مدت مورد استفاده قرار می‌گیرند. عقود مضاربه‌ای شباهت بسیاری به روش‌های "تأمین مالی بر مبنای اعتماد"^۱ در نظام تأمین مالی سنتی دارد.

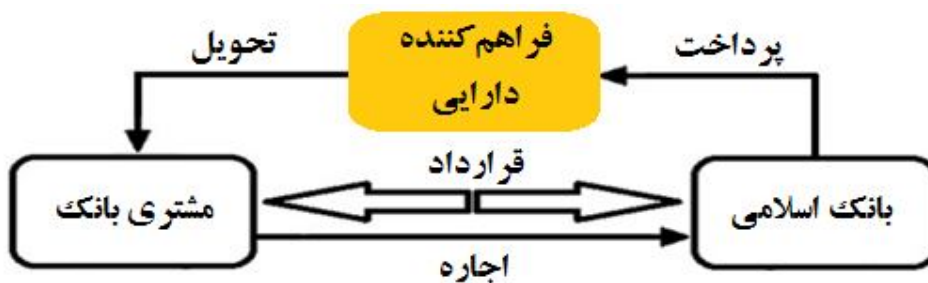
درآمد ایجاد شده از طریق سرمایه‌گذاری پول، بین طرفین قرارداد که همانا مؤسسه مالی اسلامی و کارآفرین (استفاده کننده از سرمایه) می‌باشد، طبق مفاد قرارداد که در زمان امضای آن تعیین شده، تقسیم می‌شود. در پایان قرارداد، طرفین آن اقدام به محاسبه سهم هر کدام، از سود حاصل از سرمایه‌گذاری نموده و سود (نه مقدار مشخصی از پول) را تقسیم می‌نمایند (معمولاً مؤسسات تأمین مالی اسلامی سهمی معادل ۱۵ تا ۳۰٪ از سود را از آن خود می‌نمایند). مؤسسات تأمین مالی معمولاً زیان‌های واقع شده را تحمل نموده و عامل (متقاضی قرارداد مضاربه) بابت تلاش‌های خود هیچگونه عایدی دریافت نمی‌نماید. عامل، حق سرمایه‌گذاری وجه دریافت شده از صاحب مال را در فعالیتی خارج از موضوع قرارداد بدون اجازه صاحب مال ندارد. وی همچنین اجازه جذب سرمایه جدید و همچنین تزریق سرمایه توسط خودش را ندارد. شمای کلی عقد مضاربه نیز در شکل ۲ نشان داده شده است:



شکل ۲. طرح معاملات مضاربه‌ای

عقد اجاره

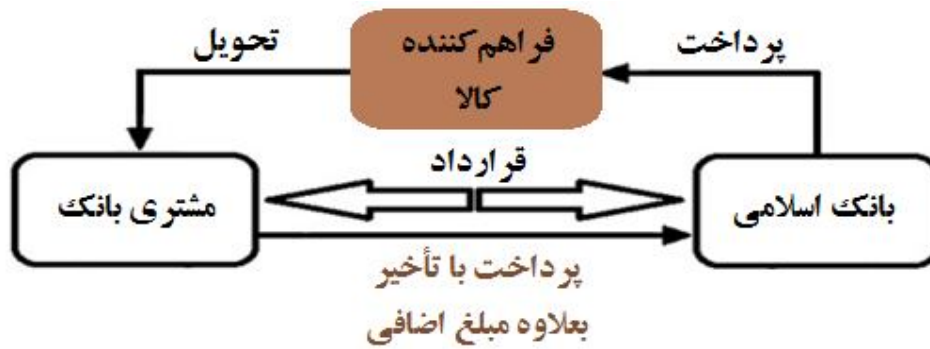
این قرارداد دقیقاً مشابه با قرارداد اجاره در نظام‌های مالی سنتی است که در آن مؤسسه تأمین مالی اسلامی اقدام به خرید تجهیزات، املاک و مستغلات و غیره به درخواست مشتری نموده و در ادامه به مشتری اجاره می‌دهد. مدت زمان اجاره و اجاره بها (چه به صورت ثابت و چه به صورت متغیر در طول زمان) می‌باید به توافق طرفین برسد. شمای کلی عقد اجاره در شکل شماره ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳. طرح معاملات اجاره

عقد مرابحه

طی قراردادهای مرابحه (صکوک) مؤسسه تأمین مالی اسلامی اقدام به فراهم‌سازی تأمین مالی تجاری می‌نماید. مرابحه همواره همراه با قرارداد فروش کالا بین بانک و مشتریان خود در یک رقم توافقی است. بانک اقدام به خرید کالا به جای مشتری خود نموده و در ادامه به صورت دوباره کالا را به مشتری فروخته و از فروش کالا و همچنین صورتحساب نمودن سایر خدمات صورت گرفته به کسب سود می‌پردازد. پس از امضای قرارداد، بانک متعهد به خرید کالا و ارائه آن به قیمت و مکان تحویل کالا که توسط طرفین در قرارداد خود منتشر نموده‌اند می‌باشد. قبل از دریافت کامل کالا توسط مشتری، بانک یا مؤسسه تأمین مالی اسلامی تمام ریسک‌ها و احتمال بروز خسارت را متحمل می‌شود. شمای کلی عقد مرابحه به صورت زیر است:



شکل ۴. طرح معاملات مباحه

قیمت کالاها می‌باید به صورت کامل تعیین و مقدار تفاوت بین هزینه و قیمت کالا مشخص شده باشد. این تفاوت یاد شده در این دسته از عقود به عنوان جایزه اطلاق می‌شود. مشتری می‌باید مقدار وجه مطالبه شده را طی مدت زمان ثابت و یا متغیر در طول زمان (هر کدام که در قرارداد با هم به توافق رسیده) پرداخت نماید. حاشیه سود خدمات بانکی می‌تواند در قالب قواعد پولی و بانکی و یا نسبتی از یهای تمام شده کالا محاسبه شود. مشتری در خصوص این دسته از عقود معمولاً مجبور به گرو نهادن وثایق برای تضمین مؤسسات تأمین مالی می‌گردد.

۵. گزارشگری اجتماعی اسلامی^۱

در اسلام، در ارتباط با مسئولیت اجتماعی افراد و کاربرد آن برای شرکت‌ها مباحث بسیاری در کتاب قرآن و سنت اشاره شده است. از طرفی، هدف اصلی کسب و کار اسلامی، کسب رضای خداوند و اطاعت از فرامین قرآن کریم و سنت بیان شده است. مسلماً تفکر ایجاد کسب و کاری اسلامی، به عنوان یکی از راه‌های اطاعت از پروردگار محسوب می‌گردد. مالی و همکاران (۲۰۰۶) معتقد بودند هدف هر کسب و کاری، دستیابی به سود می‌باشد، اما این هدف می‌بایست از راه‌های مبتنی بر شریعت تحصیل گردد. گزارشگری اجتماعی اسلامی و شاخص‌های آن، چارچوب گزارشگری متعارف در مؤسسات را توسعه داده است، به طوری که نه تنها شامل جنبه‌های مادی، اخلاقی و اجتماعی می‌گردد بلکه برخی موضوعات مرتبط با اصول اسلامی همانند زکات، وضعیت انطباق کسب و کار با شرع، وقف، قرض الحسنه و غیره را آشکار می‌سازد. در همین راستا، عثمان و ثانی (۲۰۱۰) بیان نمودند که در حال حاضر ۶ موضوع در خصوص شاخص گزارشگری اجتماعی اسلامی وجود دارد که شامل موضوعات مالی و سرمایه‌گذاری - موضوعات مرتبط با کالا و خدمات - کارکنان - اجتماع - محیط - و حاکمیت شرکتی بوده و هر کدام از آن‌ها موارد مهمی را افشا می‌نمایند. برای مثال موضوعات مالی و سرمایه‌گذاری شامل افشای فعالیت‌های ربوی، قرار، زکات، سیاست تأخیر تأدیه، ارزش جاری ترازنامه و غیره می‌باشد؛ یا در بخش کالا و خدمات، گزارشگری اجتماعی اسلامی منجر به حصول اطمینان از کیفیت کالا می‌گردد.

به طور کلی امروزه، گزارشگری اجتماعی، نه تنها منجر به رشد اقتصاد جهانی گردیده، بلکه مؤسسات مالی اسلامی را نیز در بستر اقتصاد اسلامی شکوفا نموده است. در یکی از جدیدترین تحقیقات در این خصوص، ایندراواتی و وارداتی

1. Islamic social reporting

(۲۰۱۶) رابطه بین حاکمیت شرکتی اسلامی و گزارشگری اجتماعی اسلامی را در مؤسسات مالی اسلامی اندونزی بررسی نمودند. آنها معتقد بودند افزایش بکارگیری گزارشگری اجتماعی شرکت در مفهوم اسلام، در سایه ایجاد و افزایش گزارشگری اجتماعی اسلامی محقق خواهد گردید. همچنین آن‌ها بیان نمودند یکی از راه‌های ارزیابی گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت بر اساس شریعت، بکارگیری شاخص گزارشگری اجتماعی اسلامی می‌باشد. قدر مسلم، بکارگیری گزارشگری اجتماعی اسلامی به عنوان یکی از اصول اساسی اسلامی در مؤسسات مالی اسلامی منجر به ارتقای سطح کلی گزارشگری مسئولیت اجتماعی مؤسسات خواهد شد.

۶. نتیجه‌گیری

اقتصاد اسلامی و اصول مالی آن به صورت ذاتی بر مبنای اجتماع ایجاد گردیده که واجد رشد و توسعه مفهومی بوده و منجر به کسب و کاری با ثبات می‌شود. بدین ترتیب می‌تواند بر کاهش سطح سقوط‌های مالی و عدم اعتمادهای موجود اثرگذار باشد. با توجه به ابزارهای پایه‌ای مورد استفاده توسط مؤسسات تأمین مالی اسلامی و همچنین سازوکارهای اجرایی آن‌ها در اقتصاد، می‌توان شاخصه‌های زیر را در خصوص قراردادهای تأمین مالی مدنظر داشت:

۱. هرگونه تخمین ارزش دارایی بر اساس ارزش واقعی آن صورت می‌گیرد.
۲. انتقال مالکیت کالاها در معاملات خرید و فروش.
۳. هر قرارداد منفردی منحصراً شامل یک نوع از خدمات تأمین مالی است (به‌طور مثال در خصوص قراردادهای اجاره تأمین مالی ممکن است شرایط به صورت واضح و روشن تشریح نشده باشند).
۴. تعریف دقیق از قیمت خدمات یا کالا در قرارداد درج می‌شود. قیمت‌ها نباید بر اساس نرخ‌های شناور بهره یا هرگونه احتمال تغییرات در آینده در سایر شاخص‌ها تعیین شوند.
۵. تعریف صحیحی از سهم‌الشرکه هر کدام از شرکا در سود و زیان با در نظر گرفتن سهم هریک از اموال عمومی و همچنین سهم‌الشرکه هریک از سرمایه و بالعکس.

منابع

۱. حسن‌زاده، علی و اعظم احمدیان (۱۳۹۱). تأثیر ابزارهای مالی اسلامی بر رشد سرمایه‌گذاری. دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی. سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۹، صص ۵۸-۲۹.
۲. علوی لنگرودی، سیدحسین (۱۳۸۵). جهان در انتظار بانکداری و مالیه اسلامی مدرن. نشریه بانک و اقتصاد، شماره ۷۳، صص ۴۷-۵۱.
۳. فراهانی‌فرد، سعید؛ فشاری، مجید و یاور خانزاده (۱۳۹۴). تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران (رهیافت گشتاور تعمیم‌یافته GMM). فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال نهم، شماره ۳، پیاپی ۳۱، صص ۴۱-۲۱.
۴. مشرف‌جوادی، محمدحسین و حمزه قوچی فرد (۱۳۸۸). ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی (با رویکردی بر ریسک قانونی). بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۸، صص ۱۰۷-۹۴.
۵. یاسری، علی (۱۳۸۱). جایگاه ابزارهای سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی اسلامی در نظام مالی بین‌المللی. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری.

6. Asmadi M.N (2011). Purchase Undertaking Issues in Musharakah Mutanaqisah Home Financing. ISRA International Journal of Islamic Finance, Vol. 3, Issue. 1, Kuala Lumpur: International Shariah Research Academy.
7. Bekkin, R.I (2009). Islamic economic model and modernity. Marjani Publishers, Moscow, 337.
8. El-Hawary, D., Grais, W. and Iqbal, Z (2007). Diversity in the regulation of Islamic Financial Institutions. The Quarterly Review of Economics and Finance, 46, 778–800.
9. Indrawaty. and Wardayati, S.M (2016). Implementing Islamic corporate governance and Islamic social reporting in Islamic financial institution. Procedia – Social behavioral Sciences, 219, 338 – 343.
10. Kammer, A., Norat, M., Piñón, M., Prasad, A., Towe, C. and Zeidane, Z (2015). Islamic Finance: Opportunities, Challenges, and Policy Options. International Monetary Fund, <http://www.imf.org/external/pubs/ft/sdn/2015/sdn1505.pdf>
11. Kamarudin, F., Sufian, F., Loong, F.W. and Anvar, N.A.M (2017). Assessing the domestic and foreign Islamic banks efficiency: Insights from selected Southeast Asian countries. Future Business Journal, 3, 33–46.
12. Lepeshkina K.N (2013). The problems of overcoming the crisis in the financial market: world and Russian practice of anti-crisis measures. Money & Credit, #2.
13. Maali, B., Peter, C. and Christopher, N (2006). Social reporting by islamic banks. ABACUS, 42, 266-289.
14. Naseem, R (2014). Socio-Ethical Dimensions of Islamic Economy and Issue of Modern Interest and RIBA: An Analysis in the Light of the Economy of the Muslim World. Islamic Banking and Finance, Vol. 2, No. 2, 27-42.
15. Othman, R. and Thani, A.M (2010). Islamic Social Reporting of Listed Companies in Malaysia. International Business & Economics Research Journal, Vol. 9, No. 4, 135-144.
16. Paldi, C.S (2014). Understanding Riba and Gharar in Islamic Finance. Journal of Islamic Banking and Finance, Vol. 2, No. 1, 249-259.
17. Semenova, E.V (2009). Features and prospects of development of Islamic banking. BIKI, #13, p. 3-5, 16.
18. Srebnik, B.V (2010). The Islamic countries' finance: possibility to use in Russian infrastructure projects. Finance, #11.
19. Widiarto, I. and Emrouznejad, A (2015). Social and financial efficiency of Islamic microfinance institutions: A Data Envelopment Analysis application. Socio-Economic Planning Sciences, 50, 1-17.